



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا فَتْحُ الْإِسْلَامِ يَا هادي

السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

يَا عَظَمَاءَنَا



« **حیاتی ترین نیازِ انسان چیست؟** »

جلسه پنجم – ۷ شهریور ماه ۱۴۰۱

هر انسان عاقل و بالغ و مؤمنی:

با کشف و فهمِ «**رابطه**» میان اجزاء جهان،

برای «**تقرب**» خودش به «**خالق**»،

و رفعِ ۱- «**نفهمی**» و ۲- «**بدفهمی**» در جهان،

باید به عنوان «**جهاد تبیین**»، هر لحظه بکوشد.

پرسش ۱:



«اهداف ارتباط» کدامند؟

« روابط میان مردم » به خاطر چیست؟

إعلان؟ إعلام؟ إكرام؟ إحسان؟ إنفاق؟

استعمار؟ استثمار؟ استكبار؟ استحمار؟

كسب؟ طلب؟ تحصيل؟ تفریح؟ تحسین؟

تسبیح؟ تکریم؟ تقدیس؟ تقدیر؟ تشویق؟

از منظر خداوند،

« مقصدِ تمامِ روابطِ انسانی »،

باید « ظهورِ فضائلِ انسانی » و تحقیقِ:

« عدالت و اُمنیّت و وحدت » باشد.

پس « شرط مهم »،

در برقراری « ارتباط مؤثر و مفید »،

(برای والدین، معلمان، همسران، مبلغین و تمام مردم)

تلاش برای موخّدانه کردنِ « نگاه‌ها »

در هر نوع ارتباطی است.

پرسش ۲:



انواع ارتباط از منظر « مخاطب »؟

۱: **تحمیلی** و چگشی.

۲: **خنثی** و عرضه آزاد.

۳: **طبیعی** و رویشی.

انواع ارتباط:

(از منظر مخاطب)

در ارتباط **تحمیلی:**

« **موضوع** پیامِ ارتباط »،

« **مسئله** مخاطب » نیست،

لذا تحمّلِ « ارتباط‌گیرنده »،

« سخت » و « آزاردهنده » است.

در ارتباط خنثی:

مخاطب، فقط با «**رسانه**» مواجه است،

و «ارتباط گیرنده» را به طور واضح نمی بیند، لذا:

«**پیام**» انواع «تابلو، فیلم، روزنامه، مجله ...»،

«تأثیر ماندگاری» ندارند.

در ارتباط طبیعی:

« مخاطب »، با « مشاهده »:

« بروز و ظهور طبیعی ارتباط گیرنده »،

« پیام » او را « مسئله » (و حرف دل) خود می بیند،

لذا شوق رویش و انگیزه بالندگی و همراهی می یابد.

پرسش ۳:



بهترین « راه ارتباط » چیست؟

« بهترین روش ارتباط‌گیری »،

طرحِ « **پرسشِ مناسب** » است،

زیرا « **تفکر** و **تعقل** و **دقت** »،

و « **کنجکاوی** » انسان را فعال می‌کند.

یا سر صلی الله علیه و آله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنُ وَمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ، فَإِنَّهُ يُؤْجِرُ
أَرْبَعَةَ: السَّائِلِ، وَالْمَتَكَلِّمِ، وَالْمَسْتَمِعِ، وَالْمُحِبِّ لَهُمْ

دانش گنجینه هایی است و کلیدهای آنها پرسش است

پس رحمت خدا بر شما، بپرسید که بر اثر آن چهار نفر پاداش می یابند:

پرسنده، گوینده، شنونده و دوستدار آنان

یا مبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم

حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ

خوب پرسیدن نیمی از دانش است

امام علی علیه السلام
مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عَلِمَ
مَنْ عَلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ

هر که خوب سؤال کند، دانا شود
هر که دانا باشد، خوب سؤال کند

به نظر می‌رسد

علل اصلی « **نقهمی** و **بدفهمی** » افراد بشر،

« **خلاءهای نظام فرهنگی** » هستند،

که مهمترین آنها عبارتند از:

خلاء اول:

فقدان بحث

« خودشناسی » است.



پرسش ۴:



چرا «خودشناسی» ضروری است؟

چون انسان « **مختار** » است،

و « **سرنوشت** » او محصول عملکرد خود اوست،

پس بدون « **خودشناسی** » هرگز نمی‌تواند

« **خدا و هم‌سر و هر چیز** » دیگری را بشناسد.

چون انسان بدون « **خودشناسی** »:

قطعاً « **نیازهای** » خود را « **نمی‌فهمد** »،

و « **مقصد** » زندگی را نمی‌تواند « **بشناسد** »،

و نمی‌تواند دچار « **خیال‌بافی** و **توهم** » نشود.

چون انسانِ بدونِ « **خودشناسی** »،
حتماً گرفتارِ « **خودخواهی** » می‌شود،
و نمی‌تواند با « **خودش و خدا و خلق** »،
به « **تفاهم** » و « **همدلی** » برسد.

پرسشی ۵:



کمترین « خودشناسی » چیست؟

کمترین میزانِ «خودشناسی»

اینست که انسان بداند:

هر فردی، «دو نفر» است و «دو من» دارد،

یک «منِ نفسانی» و یک «منِ عقلانی».

خیلی « دیر » خواهد بود اگر

در « پایان عُمر »، « بفهمیم » که:

آب در کوزه و ما تشنه لبان می گشتیم

یار در خانه و ما گرد جهان می گشتیم

خلاء دوم: در «نظام فرهنگی»

فقدان بحث

«واژه‌شناسی» است.

متأسفانه در میان غالب افراد بشر،

تقریباً « بیشترین واژه‌ها »،

« تعریفِ واحد »،

و « مفهومِ روشنی » ندارند.

و به خاطر همین

« روشن و مشترک » نبودنِ

« مفهوم درست واژه‌ها »،

غالب مردم جهان:

اولاً: در «**اِبْهام** و **وهم** و **خیال**

و **شک** و **تردید** و **خرافه**»،

«**غرق**» و «**سرگردان**» اند،

و از «**زندگی**»، «**لذت**» نمی‌برند.

ثانیا: در «ارتباط» با هم،

از «عدم تفاهم» و «سوء تفاهم»،

در «رنج» و «عذاب» اند،

و دائما با هم «اصطکاک» دارند.

ثالثاً: به خاطر « ذهنیتِ آشفته »،

« خودخواه و مغرور و متکبر » اند،

و برای « قهر و طلاق و درگیری »،

همیشه آماده‌اند.

و لذا کمترین «انتقادی»

آنها را به «عصبانیت»

و «توهین» می کشاند.

پرسش ۶:



« تفاهم » محصول چیست؟

مهمترین « عاملِ تفاهم »،

میانِ افرادِ بشر،

داشتنِ زبانِ: « ۱- مشترک »،

و « ۲- روشن » و « قابلِ فهم » است.

و برای « مشترک و روشن » شدن « زبان »،

باید:

۱- « تصاویر ذهنیِ واژه‌ها، روشن » شوند،

۲- « تصاویر ذهنیِ واژه‌ها، یکسان » شوند.

اگر: « حروف، الفاظ، کلمات، ایماء، اشارات، رنگ‌ها،

صداها، تصاویر، علامات، کدها، حالات، رمزها، «

و « هر چیزی » برای « گوینده و شنونده »،

« پیامِ روشن و یکسانی » داشته باشند،

قطعاً « تفاهم پایدار » پدید می‌آید.

با اطمینان می توان گفت:

« سهم انسان از **زندگی** »،

به اندازه « **واژه‌هایی** » است که

آنها را به درستی « **می فهمد** ».

انسان، « صحبت کردن » را

طی « دو سال » می‌آموزد،

اما گاهی « پنج‌ساله سال » طول می‌کشد تا:

« مفهوم درست برخی از واژه‌ها » را بفهمد.

نمونه واژه‌های رایجی که مفهوم روشن و یکسانی برای مردم ندارند:

« **أدب** » و « **تربیت** »،

« **قسط** » و « **عدل** »،

« **خوشگلی** » و « **زیبائی** »،

« **حق** » و « **آزادی** »،

« **فرهنگ** » و « **دین** »،

« قرائت »، « تلاوت »، « تلفظ »،

« دعا »، « سؤال »، « طلب »، « حاجت »،

« اراده »، « شاء »، « عزم »، « قصد »، « حجّ »،

« دیدن »، « نگاه کردن »،

« شنیدن »، « گوش دادن »، « زندگی ».

« ضرب »، « ساکن »، « راکد »،

« تفاضل »، « مِنِها »، « صاحب »،

« کتاب »، « مقاله »، « صحیفه »، « رساله »،

« أَکل »، « بلع »، « هضم »، « کبد »،

« مستقیم »، « سبیل »، « طریق »، « شریعه ».

« **انضباط** » یعنی؟

« **نظم** » یعنی؟

« **همکاری** » یعنی؟

« **هماهنگی** » یعنی؟

برای تحقیق دربارهٔ «**واژه‌ها**» باید:

۱- «**کلمات هم‌خانواده**»،

۲- «**کلمات متضاد**»،

۳- «**کلمات مترادف**»،

۴- و موارد استعمال آنرا در «**قرآن**» بررسی کنیم.

پرستی ۷:



چرا اکثر مردم تابع « ظن » هستند؟

وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا
إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ (يونس/ ٣٦)

و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از

حقیقت بی نیاز نمی گرداند آری خدا به آنچه می کند داناست.

زیرا برای غالب مردم جهان، **مرز**:

« تفکر، تأمل، توهم، تخیل، »

و محاسبه و حدس و گمان ... »

اصلاً « **روشن** » نیست،

خلاء سوم: در «نظام فرهنگی»،

فقدان تلاشِ مفید برای تفهیم:

«تفکر، تعقل، تدبیر، شعور»

لذا « باورها » و « ادّعاهای »،

اکثر مردم خصوصاً « افراد باسواد »،

« مستدل » و « مستند » نیست،

و هر « وسوسه » و « شبهه » و « شایعه‌ای »،

آنها را به « شکّ و تردید » می‌اندازد.

در نتیجه،

« **اکثر مردم** »

در « قضاوت‌ها » و « تحلیل‌های » خود،

از « **حدس و گمان** » خود پیروی می‌کنند:

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ

وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (أنعام/ ۱۱۶)

و اگر از بیشتر اهل زمین پیروی کنی تو را از راه خدا گمراه می کنند
زیرا آنها از « گمان » پیروی می کنند و به خیالبافی و دروغپردازی می پردازند.

امروز اکثر افراد باسواد،

با محرومیت از زیبایی «**اندیشیدن**»،

فقط «**أندیشه**» دیگران را

در ذهنشان «**حمل**» و با هم مبادله می کنند.

پرستی ۸:



مفیدترین «تلاش» والدین،
و معلمان و مبلغین چیست؟

« مفیدترین تلاش فرهنگی »،

« کشف و فهم و تصویرسازی »،

از « مفاهیم مهم زندگی »

و « کنجکاو » کردن اطرافیان به آنست.

و بهترین روشِ « تفهیم مفاهیم »،

« آزمایشی » (خصوصاً توسط خود مخاطب)،

و « نمایشی محسوس » آنهاست.



«تصویر سازی» از چند واژه:

مثال «اول» ::

« مطالعه »

یعنی چه؟



« مطالعه », به معنی:

« مصرفِ کتاب » نیست،

بلکه به معنی: « طلوع » کردن،

و « ابرازِ » خود به بهانه « آیات » است.

مثال «دوم» :

« کلاسی » کیجاست؟

« کلاس »،

محلّ « طبقه بندی »،

و « کلاس » شدنِ

« معلومات » است.

مثال « سوم »:

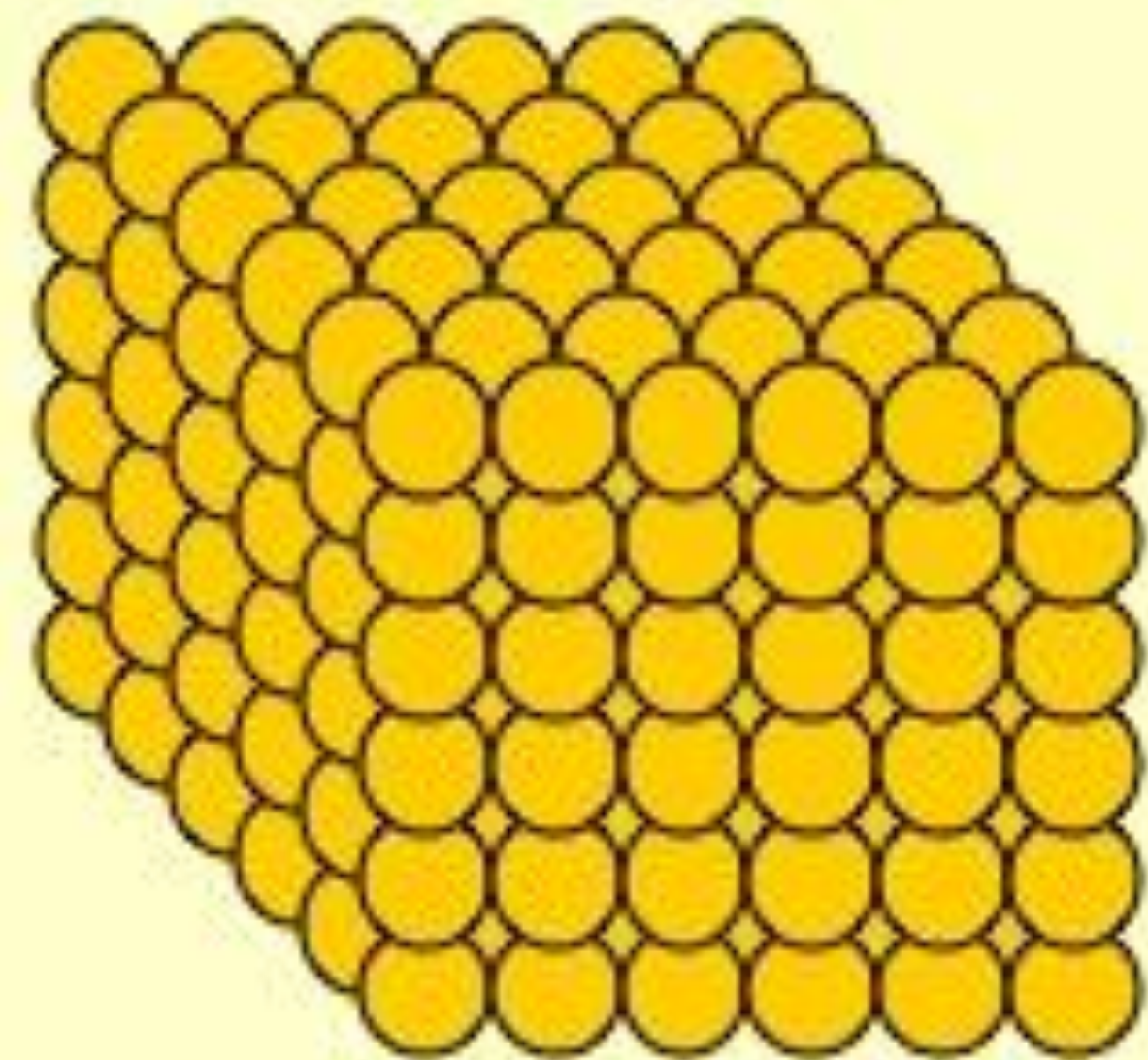
« چگالی »

(دانسیتہ)

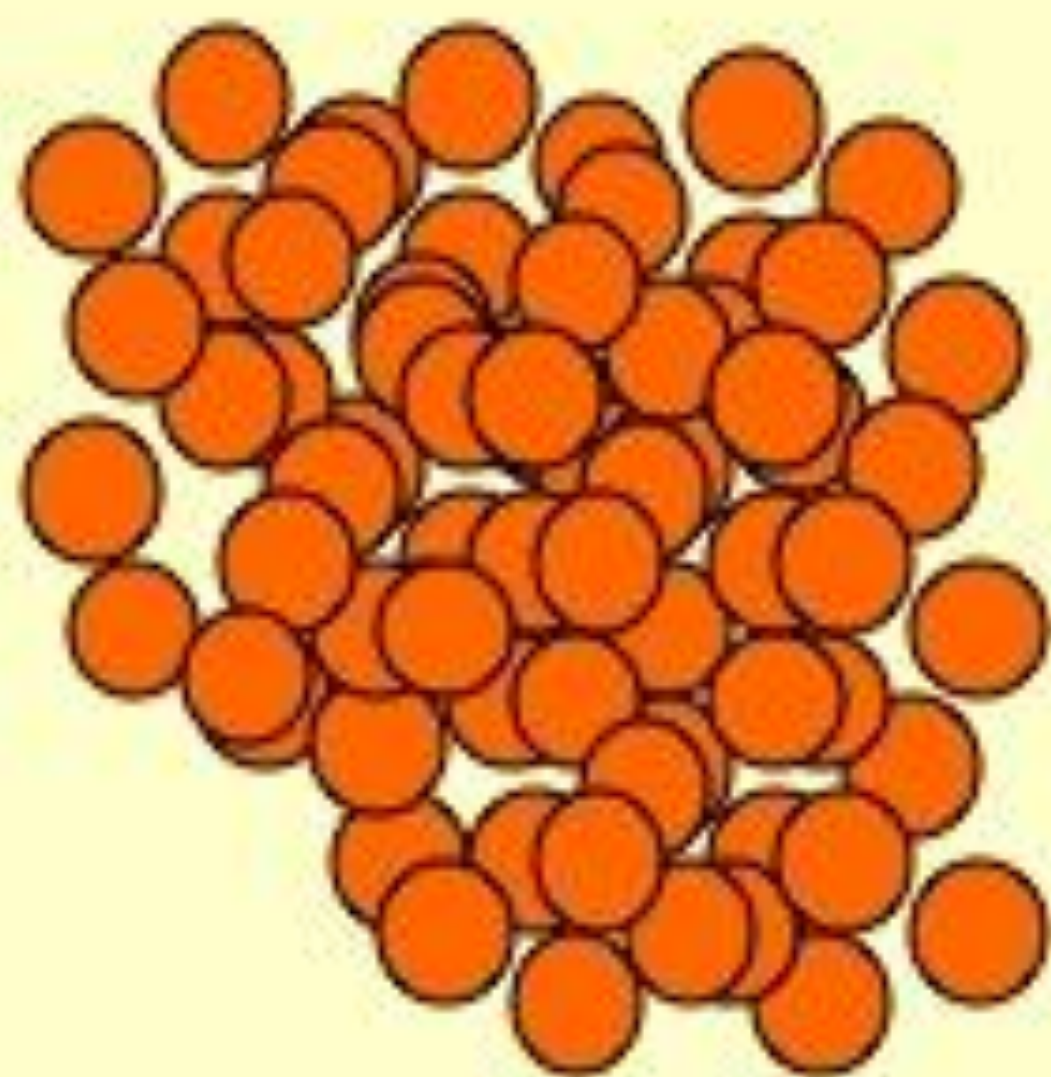
یعنی چہ؟

یعنی: «**فشر دگی**»،

و «**تراکم**» هر چیز:



HIGH DENSITY



LOW DENSITY



« روغن گیاهی » ←

« آب + رنگ » ←

« مایع ظرفشویی » ←

« شیر ذرّت » ←

« عسل » ←

از نشانه‌های «ارتباط مفید»،

«انبساط» مخاطب،

و کاهش «چگالی» اوست.

مثال «چهارم»:

« مربع وتر » در « مثلث »،

برابر است با:

« مربع دو ضلع دیگر »؟



مثالِ «پنجیم» ::

» تکرار « یعنی چہ؟



«تکراری»

یعنی چه؟

« تکرار » یعنی:

« ظاهرِ برابر » امّا « ارزشِ نابرابر »،

امّا « تکراری » یعنی:

« ظاهر و ارزشِ برابر » = بیهوده

برای اینکه «**روزهای زندگی**»،

و «**ذکر**» و «**نماز**» ما،

«**تکراری**» نباشند، چه باید کرد؟

مثال «ششم»:

«تفکر»

یعنی چه؟

یعنی: « **کشفِ روابطِ** »،

« **منطقی** » و « **نامرئی** »،

میانِ « **أشیاء مادی** (یا تصاویر ذهنی) »،

برای « **تشخیصِ نقش و تکلیفِ خود** ». »

انسان با « **تفکر** »

از « **کثرت** » و « **جزء‌نگری** »

به « **وحدت** » و « **کل‌نگری** » می‌رسد.

(۳۰ مرغ = سیمرغ)

پس « **تفکر** »

« **ذهن** » و « **نگاه** » انسان را

« یکپارچه » و « منسجم » می کند،

و از « پراکندگی » و « آشفتگی » می رهاند.

لذا به فرمودهٔ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،

هیچ «عبادتِ»

با ارزش‌تر از «تفکر» نیست:

«لا عبادةَ حتّی التّفکر»



معرفی چند « کتاب » :

۱- « من زمین می خورم ».

۲- « من خیس می شوم ».

۳- « من خودم را می بینم ».

۴- « در برابر باد می ایستم ».

(مجموعه بازی با علم) کانون پرورش فکری



خدایا:

ما را در « **خودشناسی** و **تفکر** » موفق فرما،

تا « **مفیدترین روابط** » را کشف و برقرار کنیم،

و « **کارآمدترین شکر** » را بجا آوریم،

و در « **ظهور آخرین حجت** » سهیم باشیم.

السلام عليكم

